

شوقی ضیف نگاهی نو به میراث ادب عربی

شکوه السادات حسینی¹

چکیده

دکتر شوقی ضیف، چهره نام‌آشنای استادان و دانشجویان ادبیات عربی در سطح جهان، در طول نزدیک به یک سده عمر خویش، پژوهشهای فراوانی در ادبیات عربی و علوم اسلامی انجام داده که حاصل آن بیش از پنجاه مقاله و کتاب است. وی با پژوهش در قرآن کریم و منابع کهن ادبیات عربی، اطلاعات وسیعی به مخاطبان خود عرضه کرد و هر تلاشی در این عرصه گسترده را نیازمند مطالعه آثار خویش ساخت که البته بررسی دقیق این آثار می‌تواند بسیاری از نظریات وی را به چالش کشد.

در بخش نخست نوشتار حاضر، عوامل مؤثر در تکوین این شخصیت علمی تأثیرگذار بر روند جریان ادبیات عربی به شیوه‌ای توصیفی - تاریخی بررسی شده است.

بخش دوم شامل بررسی اجمالی سبک نوشتاری و شیوه‌های نگارش شوقی ضیف است و با روشی تحلیلی - استنباطی به دسته‌بندی نقدهای متنوع از آثار این شخصیت می‌پردازد. این بخش با برداشتها و نقدهای شخصی نگارنده حاوی مطالب جدیدی در این باره است.

کلیدواژه‌ها: شوقی ضیف، تاریخ ادبیات عرب، نحو جدید عربی، نقد ادبی

۱- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه دمشق.

اشاره‌ای به تحقیقات پیشین

بدیهی است پژوهش حاضر درباره‌ی شوقی ضیف مسبوق به تألیفات دیگری درباره‌ی زندگی، شخصیت علمی و آثار وی و نیز ترجمه‌ی این آثار به زبانهای دیگر است. مهمترین این تحقیقات و ترجمه‌ها عبارتند از:

الف - کتاب

1- شوقی ضیف: *رائد الدراسات الأدبیه و النقد الأدبی*، عبدالعزیز الدسوقی 2- شوقی ضیف: *سیره و تحیه (جمع آوری و تدوین)*، طه وادی 3- *فی رحاب شوقی ضیف (کلمات و اشعار)*، مصر، 1996 4- *قراءات أولیه فی کتابات د. شوقی ضیف*، احمد یوسف علی.

ب - مقاله

«شوقی ضیف و الأدب العربی فی ایران»، محمد علی آذرشب.

ج - پایان‌نامه

1- *آراء نقدی شوقی ضیف در نحو و بلاغت*، شکوه السادات حسینی، کارشناسی ارشد
2- *ترجمه بخشهایی از کتاب فی النقد الأدبی به قلم شوقی ضیف*، ابوالقاسم قوام، کارشناسی ارشد
3- *ترجمه و تعلیق بر مکاتب نحوی المدارس النحویة اثر شوقی ضیف*، محمد علی جعفری، کارشناسی ارشد.

د - ترجمه آثار به زبانهای دیگر

1- *البحث الادبی*، به فارسی 2- *تاریخ الأدب العربی: العصر الجاهلی*، به فارسی 3- *الفن و مذاهبه فی الشعر العربی*، به فارسی 4- *النقد الأدبی*، به فارسی 5- *الأدب العربی المعاصر*، به چینی 6- *عالمیه الاسلام*، به فرانسه و انگلیسی.

زندگی شوقی ضیف

احمد شوقی عبدالسلام ضیف (1910-2005)، نویسنده و پژوهشگر مصری. وی در یکی از روستاهای استان دمياط مصر متولد شد و در خردسالی چشم چپ خود را بر اثر بیماری از دست داد (وادی، ص 15). شوقی در دوران کودکی با تعلیم و تربیت مذهبی خانواده و خصوصاً پدر که از علمای دین و فارغ التحصیل دانشسرای وابسته به الازهر بود، قرآن را حفظ کرد و پس از آن، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دمياط به پایان رساند (ضیف، معی، 13/1). او از همان دوران تحصیل، مطالعات تاریخی و ادبی خود را با خواندن کتابهایی نظیر *فتوح الشام*، *دیوان ابن فارض* و *ماجدولین منفلوطی* آغاز کرد (همان، ص 23).

مطالعه مطبوعات نیز شوقی را با نوشته‌های ادبی نویسندگان بنام مصری مانند عباس محمود العقاد، محمد حسین هیکل و طه حسین آشنا کرد. این آشنایی بر اسلوب نگارش او اثر گذاشت و بعدها در الازهر وی را به حلقه ادبی این شخصیتها وارد کرد (همان، صص 55-57).

ضیف در 1926، بعد از تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل تحصیلات ازهری خود به دانشسرای زقازیق (همان، ص 74) و پس از آن، به دبیرستان تجهیزیه در قاهره رفت. وی سپس در 1930 به دانشگاه فؤاد (دانشگاه قاهره کنونی) راه یافت و در 1935، با دریافت لیسانس ادبیات، عضو نخستین گروه دانش‌آموختگان این دانشگاه شد (همان، ص 96). در 1939، رساله فوق لیسانس خود را با عنوان *تقد کتاب اغانی ابوالفرج اصفهانی* به راهنمایی احمد امین تألیف کرد و با این کار، بر جنبه تاریخی شعر و نیز بر نقد آن مسلط شد و تألیفاتی را در زمینه شعر عربی آغاز کرد (وادی، ص 73). وی در 1942 به دریافت دکترا با درجه ممتاز نائل شد (همان، 5/2). با این که رساله‌های دکتری پیش از دفاع مجوز چاپ ندارند، طه حسین به ضیف اجازه این کار را داد (ضیف، معی، ص 130). او در 1970، پس از سالها تدریس در دانشگاههای مختلف و تصدی مدیریت گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قاهره، بازنشسته شد (وادی، ص 80) و تا پایان عمر، در سمت ریاست فرهنگستان زبان مصر در راه احیای زبان عربی فصیح کوشید.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت علمی شوقی ضیف

- 1- خانواده: پدر شوقی از علمای دین و فارغ‌التحصیل دانشسرای وابسته به الازهر در دمياط بود. او شوقی را از کودکی با قرآن مأنوس ساخت.
- 2- استادان: ضیف در بدو ورود به دانشگاه قاهره، بیش از هر چیز مشتاق شرکت در کلاسهای طه حسین با موضوع «نقد جدید در ادبیات عربی» بود (همان، ص 5). وی علاوه بر این، انگلیسی و فرانسوی و نیز دروس تخصصی رشته عربی را نزد استادان برجسته و اهل زبان فراگرفت (همان، ص 97). نحو را نزد ابراهیم مصطفی، بلاغت را نزد امین الخولی، زبان و ادبیات فارسی را نزد عبدالوهاب عزام و دانشهای اسلامی را نزد احمد امین آموخت. ضیف از این میان، چنان تحت تأثیر دیدگاههای نقدی احمد امین بود که گاهی می‌توان ردپای برخی افکار متعصبانه امین و در پی آن، دور افتادن از نقد منصفانه را در آثار وی یافت. از آن جمله است اظهار نظر دور از حقیقت ضیف درباره زعامت نحو عربی (حسینی، ص 27-39). شیخ مصطفی عبدالرزاق نیز به عنوان پیوندهنده فرهنگ قدیم ازهری با فرهنگ جدید فرانسوی از استادان محبوب وی بود (ضیف، معی، 1/ 96-109).
- 3- محیط آموزشی و شیوه تحصیل: الازهر و مدارس وابسته به آن، با نظامی آزاد و بدون الزامهای ناپسند، دانش‌آموز را به کلاس جذب می‌کرد (همان، ص 67). این نظام تنها در پی افزایش اطلاعات دانش‌آموزان نبود، بلکه با برگزاری جلسات مباحثه، قدرت استنباط و غور در مطالب را در آنان پرورش می‌داد (همان، ص 67). با رشد در این محیط آموزشی بود که شوقی در دانشگاه هم بر خلاف شیوه مرسوم دیگران، همواره به مطالعه پیش از درس و مباحثه پس از آن می‌پرداخت (همان، ص 58).
- 4- سفرهای خارجی: سفر به رومانی و روسیه به دعوت کانون نویسندگان هر یک از این دو کشور در 1956 (همان، ص 42)، شرکت در جشنواره شعر دمشق و آشنایی با شاعران مصری و سوری در 1960 (همان، ص 84)، سفر به اسپانیا به همراه یک هیئت دانشگاهی (همان، ص 136) و دیگر مسافرتهاى خارجی ضیف بر عینیت و غنای مطالعات و تألیفات او افزود.

آثار

شوقی ضیف حدود پنجاه کتاب، مقاله و تصحیح نسخه خطی دارد. بسیاری از این تألیفات دائرةالمعارف‌هایی است که به لحاظ متدلوژی تحقیق اشکالات فراوانی دارد. فصل‌بندی برخی کتابها مانند، *البلاغه: تطور و تاریخ* چندان علمی و مقبول نیست و در برخی دیگر مطالب یک فصل یا بخش مشروح‌تر از فصلها و بخشهای دیگر است و این باعث ناهماهنگی حجم آنها شده است.

اغلب کتابها حاوی مقدمه، خلاصه مطالب در پایان هر فصل، خاتمه و خلاصه‌ای در پایان کتاب است. علاوه بر این، در ابتدای هر بخش مجملی از مطالب گذشته آمده است.

عباس الصوری (شرق الاوسط، 13 مارس 2005، inter.) با یک تقسیم‌بندی بسیار کلی، آثار ضیف را در دو گروه می‌نهد: تألیفات ادبی (با تأسی به روشهای طه حسین) و پژوهشهای اسلامی. با دقت بیشتر برای تقسیم‌بندی موضوعی این تألیفات و تحقیقات، فهرست زیر قابل ارائه است:

الف - تألیفات

یکم - کتابها

- 1- در زمینه پژوهشهای قرآنی و اسلامی¹.
- 2- در زمینه تاریخ ادبیات عربی².

۱- سورة الرحمن و قصار الصور (عرض و دراسة)، ۱۹۷۱؛ الوجیز فی تفسیر القرآن الکریم، ۱۹۹۵؛ عالمیة الاسلام، ۱۹۹۶.

۲- العصر الجاهلی، ۱۹۵۸؛ العصر الاسلامی، ۱۹۶۳؛ العصر العباسی الأول، ۱۹۶۶؛ العصر العباسی الثانی، ۱۹۷۳؛ عصر الدول و الامارات (الجزیرة العربیة، العراق، ایران)، ۱۹۸۰؛ عصر الدول و الامارات (الشام)، ۱۹۸۴؛ عصر الدول و الامارات (مصر)، ۱۹۸۴؛ عصر الدول و الامارات (الأندلس)، ۱۹۸۹؛ عصر الدول و الامارات (لیبیا، تونس، صقلیة)، ۱۹۹۲؛ عصر الدول و الإمارات (الجزائر، المغرب الاقصى، موریتانیا، السودان)، ۱۹۹۵.

- 3- در زمینه ادبیات و فنون ادبی¹ .
 4- درباره شخصیت‌های ادبی²
 5- در زمینه نقد ادبی و بلاغت³ .
 6- در زمینه پژوهش‌های نحوی و زبانی⁴ .
 7- درباره فرهنگستان زبان مصر⁵ .

درباره برخی از این کتابها، به مناسبت، مطالبی خواهد آمد. در اینجا، به معرفی گذرایی از زندگینامه خودنوشت ضیف، با عنوان معی، می‌پردازیم. وی این کتاب را با الهام از نام معک - زندگینامه طه حسین، نوشته همسر وی - نامگذاری کرده است (وادی، ص 64). معی علاوه بر حوادث زندگی ضیف، نکات فراوانی درباره تاریخ سیاسی معاصر مصر دارد. نویسنده در این کتاب با انتخاب زاویه دید سوم شخص، اسلوب ویژه‌ای را در نگارش زندگینامه خودنوشت برگزیده است.

دوم - مقالات

ضیف در نخستین مقالات خود که از 1934 در مجله الرسالة منتشر شد، رابطه شعر و

- ۱- الفن و مذاهبه فی الشعر العربی، ۱۹۴۳؛ الفن و مذاهبه فی النثر العربی، ۱۹۴۶؛ الشعر و الغناء فی المدینة و مكة لعصر بنی أمیة، ۱۹۵۲؛ التطور و التجدید فی الشعر الأموی، ۱۹۵۲؛ الأدب العربی المعاصر فی مصر، ۱۹۵۷؛ دراسات فی الشعر العربی المعاصر، ۱۹۵۳؛ البحث الأدبی: طبیعته و مناهجه و أصوله و مصادره، ۱۹۷۲؛ الشعر و طوابعه الشعبیة علی مر العصور، ۱۹۷۷؛ البطولة فی الشعر العربی، ۱۹۶۹؛ فی التراث و الشعر و اللغة، ۱۹۸۷؛ من المشرق و المغرب (بحوث فی الأدب)، ۱۹۹۸؛ الحب العذری عند العرب، ۱۹۹۹؛ الفكاهة فی مصر، ۱۹۵۸؛ الرثاء، ۱۹۵۵؛ الترجمة الشخصیة، ۱۹۵۶؛ الرحلات، ۱۹۵۶؛ المقامة، ۱۹۵۴.
- ۲- شوقی شاعر العصر الحدیث، ۱۹۵۳؛ ابن زیدون: الشاعر الأندلسی، ۱۹۵۴؛ البارودی رائد الشعر الحدیث، ۱۹۶۴؛ العقاد، ۱۹۶۴؛ معی، ج: ۱، ۱۹۸۱، ج: ۲، ۱۹۸۸.
- ۳- فی النقد الأدبی، ۱۹۶۲؛ فصول فی الشعر و النقد، ۱۹۷۱؛ النقد، ۱۹۵۴؛ البلاغة: تطور و تاریخ، ۱۹۶۵.
- ۴- المدارس التحویة، ۱۹۶۸؛ تجدید النحو، ۱۹۸۲؛ تیسیر النحو التعلیمی قديماً و حديثاً مع منهج تجدیده، ۱۹۸۶؛ تیسیرات لغویة، ۱۹۹۰.
- ۵- محاضرات جمعیة، ۱۹۹۸؛ مجمع اللغة العربیة فی خمسين عاماً، ۱۹۸۴.

هنرهای زیبا را با نگاهی غربی بررسی کرده است. مهمترین این مقالات چنان که ضیف خود آورده (معی، 109)، به ترتیب انتشار عبارتند از: «الوضوح و الغموض فی الشعر»، «ماهیه الشعر» و «الشعر و الفنون».

ب- تحقیق و تصحیح متون

برخی از مهمترین این تحقیقات عبارتند از: الرد علی النحاة، ابن مضاء القرطبی، 1947؛ المغرب فی حلی المغرب - قسم الأندلس -، ابن سعید، 1951؛ کتاب السبعة فی القراءات، ابن مجاهد¹؛ الدرر فی اختصار المغازی و السیر، ابن عبد البر، 1966؛ نقط العروس فی تواریخ الخلفاء، ابن حزم، 1951؛ رسائل الصاحب بن عباد، 1951.

شیوه نگارش

خصوصیات مشترک آثار ضیف به اجمال عبارتند از:

- 1- نثر زیبا در عین نگاه تاریخی - تحلیلی.
- 2- تولید تعابیر و اصطلاحات زیبا و منحصر به فرد با استفاده از واژگانی اندک و در نتیجه، ابداع یک اسلوب متنوع نگارشی به جای تنوع در مفردات.
- 3- در مواردی، بهره گیری از تضمینهای زیبای قرآنی و جملات مسجع.
- 4- استفاده از عبارتهای وصفی، معترضه، موصولی و نیز تعلیلهای غیرمستقیم برای جلوگیری از خستگی خواننده هنگام خواندن جملات طولانی.
- 5- در مواردی، استفاده از جملات معترضه طولانی، مفعول مطلق و حروف ربطی نظیر «بَلْ، لَكَاثَمَا و حتی ليقول» برای تطویل و تفصیل کلام.
- 6- در مواردی، کاربرد مفعول مطلق به صورت جمله معترضه برای تأکید و جلب توجه خواننده به موضوع.

۱- تاریخ چاپ این کتاب در فهرستی که شوقی ضیف، خود، برای نگارنده ارسال کرد، نیامده است.

- 7- در مواردی، استفاده از فعلهایی مانند «خُذْ مثلاً و قُلْ» برای همراه کردن خواننده.
- 8- استفاده از جناسها، اشتقاقها و مترادفهای جالب.
- 9- در موارد بسیاری، استفاده از واژه‌هایی مانند «إِذْ، بِسَبَبِ بَسِيطٍ و هو» به جای «لَأَنَّ» که تعلیل مستقیم است (حسینی، ص 19-22).

روش پردازش و تألیف آثار

الف- در تفسیر

شوقی ضیف در عین استفاده از تفسیرهای پیشینیانی نظیر طبری، زمخشری، فخر رازی، قرطبی، ابن کثیر و متأخرانی چون محمد عبده و محمد الطاهر بن عاشور، با اسلوبی روشن و روان و به دور از پیچیدگیهای آن متون، به تفسیر آیات می‌پردازد (محمود مکی، *الشرق الأوسط*، 13 جولای 2001، inter.). بدیهی است که ارتباط همیشگی با قرآن و حفظ آن از دوران کودکی در این برداشتها مؤثر بود.

ب- در تاریخ ادبیات

شوقی ضیف مانند طه حسین و بروکلیمان به ادبیات همچون علم می‌نگرد و مانند رافعی، جرجی زیدان، زیات و احمد امین تاریخ ادبیات را به دوره‌های مختلف تقسیم می‌کند. به اعتقاد او هدف از تاریخ ادبیات هم پژوهش نقادانه است و هم آموزش. تفسیر ضیف از تاریخ ادبیات متأثر از مکتب طبیعت‌گرایی (naturalism) و وام‌گرفته از شیوهٔ تن¹، به عنوان پایهٔ تفسیر تحول ادبی است؛ بدین معنا که ادبیات هر ملت تحت تأثیر سه عنصر نژاد، زمان و مکان قرار دارد. وی در مقدمهٔ کتاب *تاریخ ادبیات عصر جاهلی* به این مطلب اشاره می‌کند. البته به نظر می‌رسد که او از روش سنت بُو² که مورد قبول طه حسین بود، و نیز روش برونتییر³ به عنوان یک روش

1-Ten

2- Saint - Beuve

3- Brunetière

روان‌شناسانه نیز اثر پذیرفته باشد. اما با دقت در آثار او چنین استنباط می‌شود که کار او در اصل، مبتنی بر طبیعت‌گرایی بوده و در خلال بررسی‌هایش از روش‌های دیگر نیز استفاده کرده است؛ بدین گونه که میان محیط و اوضاع سیاسی - اجتماعی از یک سو و ادبیات از سوی دیگر، ارتباط علمی برقرار می‌کند و مرزهای تاریخی را با دوره‌های ادبی در ارتباط می‌داند و به این طریق، نوآوری‌های شخصی شاعران را تفسیر می‌کند (الکردی، الشرق الاوسط، 13 جولای 2001، inter.).

شوقی ضیف در نخستین جلد‌های تاریخ ادبیات خود، به دوره‌های جاهلی، اسلامی، عباسی اول و عباسی دوم تا سال 334 هـ.ق می‌پردازد و دوره چهارم را تا عصر حاضر، در قالب اقلیمها و مناطق مختلف جهان عرب [و اسلام] بررسی می‌کند، زیرا معتقد است که بغداد از قرن چهارم هجری دیگر جایگاه چندان تأثیرگذاری در حرکت‌های ادبی نداشت و شهرهای بسیاری در شرق و غرب در احیای حرکت شعر و نثر با بغداد به رقابت برخاستند (ضیف، العصر الجاهلی، ص 15).

در نقدهایی که از تاریخ ادبیات او صورت گرفته است، عمدتاً به دقت نظر و عمق بینش و نیز بی‌طرفی وی نسبت به آرای گوناگون اشاره کرده‌اند (می‌یوسف خلیل، الشرق الاوسط، 13 جولای 2006، inter.)، ولی ضیف در مواردی قضاوت‌های بی‌طرفانه خویش را خدشه‌دار کرده است. از آن جمله است استفاده از القابی مانند «زندیق» و «عدو الاسلام و العروبة» درباره بشار (ضیف، العصر العباسی الأول، ص 207؛ همو، فی التراث و الشعر و اللغة، ص 32) که شاید شیعه و ایرانی بودنش او را چنین مغضوب کرده باشد. با این حال، روش نقد و بررسی ضیف که پیش از اشاره به پدیدآورنده هر اثر، به خاستگاه و عوامل محیطی اثرگذار بر آن توجه می‌کند، نگرشی عالمانه و در خور ستایش است.

ج - در بلاغت

بلاغت در میان موضوعات آثار شوقی ضیف کمترین سهم را دارد. وی در *البلاغته: تطور و تاریخ (1965)*، بلاغت را در شعر و نثر عربی در دوره‌های مختلف ادبیات از آغاز تا

دوران پیشرفت و سرانجام افول آن (از دید خود) بررسی کرده و سپس خاستگاه، ابداعات فکری و دستاوردهای اندیشه‌ای آن را مطرح می‌کند و در مقابل، به مواضع قصور و کاستی آن و نیز علل این ضعفها اشاره می‌کند (عبید بلیغ، الشریق الاوسط، 13 جولای 2006، inter).

به اعتقاد ضیف، بلاغت عربی با عبدالقاهر جرجانی و دو کتاب *اسرار البلاغة* و *دلائل الاعجاز* به اوج رسید و با ظهور کسانی مانند سکاکی و ورود مباحث پیچیده منطقی به آن، رو به افول نهاد (حسینی، فصل سوم)، ولی صاحب‌نظرانی چون عبدالمنعم خفاجی و مصطفی ناصف درباره بدیع بودن آنچه عبدالقاهر در دو کتاب خود آورده با ضیف هم عقیده نیستند و معتقدند که اصولاً تألیفات عبدالقاهر نه در زمینه بلاغت، بلکه برای فهم قرآن و آشنایی با سیاق آن و در واقع نوعی نقد است. وی بلاغت عربی را به نظریه نقد ادبی تبدیل کرد و کسانی چون ابن معتز، قدامة بن جعفر، ابن رشیق قیروانی و ابوهلال عسکری نظریات خود را در زمینه بلاغت و نقد پیش از عبدالقاهر ارائه دادند (حمدی، ص 36). افزون بر آن، ادعای افول بلاغت با سکاکی هم چندان منصفانه نیست، چرا که به قولی، بلاغت را منطقیون بیش از ادیبان به پیش برده‌اند و ظاهراً خطای ضیف در این مورد هم مانند خطای او درباره نحو است. ورود به حوزه‌های خارج از تخصص.

د - در نقد ادبی

ضیف در نقد ادبی چهار روش اساسی دارد: 1- تحلیل اجزای متن 2- فهم متن با توجه به رابطه آن با جامعه و تاریخ 3- فهم و استنباط متن با توجه به رابطه آن با پدیدآورنده‌اش 4- ارزیابی اثر هنری به طور غیرمستقیم. این ارزیابی ابتدا به صورت یک نقد عام و موجز انجام می‌شود و در مرحله بعد، منتقد با استفاده دقیق از مقوله‌های نقدی صحت و استحکام تلقی خود را آشکار می‌کند. شوقی ضیف معتقد است که وقتی نویسنده دیدگاه خود را از تجربیات عمیقی کسب کرده و عناصر مختلف زیبایی‌شناسی را نیز به خوبی تلفیق و از آن استفاده کند، اثر ادبی قوی و ماندگاری

می‌آفریند (سلیمان، الشرق الاوسط، 13 جولای 2001، inter).

محمد عزیز نظمی، استاد فلسفه دانشگاه زقازیق، در مقاله‌ای (وادی، ص 227 و 233)، ضمن بررسی نگاه نقدی شوقی ضیف، وی را با زیبایی‌شناس فرانسوی، اتین سوریو، مقایسه می‌کند. وی معتقد است که میان شعر، تصویرسازی هنری و موسیقی رابطه‌ای اندام‌وار وجود دارد و معیارهای نقد عبارتند از: 1- تاریخ و اجتماع 2- هنر و زیبایی 3- ایجاد رابطه میان سنت و تجدد. به اعتقاد نظمی (همان)، ضیف در خلال تألیفات نقدی‌اش از نمونه‌های شعر و نثر و مشرب‌های آن در ادب کهن و نیز تألیفاتی که درباره‌ی روشهای پژوهش ادبی دارد، مسیر علم زیبایی‌شناسی ادبیات عربی را ترسیم و قواعد و اصول نظری آن را وضع کرده و مهمترین عناصر زیبایی‌شناسی را در نقد شعر چنین برمی‌شمارد: 1- وحدت ارگانیک 2- تطابق شکل و محتوا 3- قدرت خیال 4- حفظ سنت (اصالت) در تبلور اثر هنری 5- توجه به ارزشهای انسانی.

ه- در پژوهشهای زبانی

فعالیت‌های علمی ضیف در زمینه‌ی زبان و نحو، با تلخیص *قطر الندی* در دوران دانشجویی آغاز شد. وی این فعالیتها را با تصحیح نسخه‌ی خطی *الرد علی النحاة* اثر ابن مضاء قرطبی (1947) و تألیف *المدارس النحویة* (1968) و *تجدید النحو* (1982) و عضویت در فرهنگستان زبان مصر ادامه داد که سرآغاز حرکت‌های علمی در زمینه‌ی آسان‌سازی (تیسیر) نحو بود. ضیف در 1986 *تیسیر النحو* را تألیف کرد که بسیاری از نظریات طرح شده در آن برگرفته از *احیاء النحو* ابراهیم مصطفی است. ضیف درباره‌ی زبان دو رویکرد دارد: یکی رویکرد تطبیقی در زمینه‌ی آموزش و آسان‌سازی نحو، و دیگری رویکرد تاریخی - پژوهشی که مربوط به تاریخچه‌ی نحو عربی است.

تلاش ضیف در زمینه‌ی نحو و ادعاهای او درباره‌ی بازنگری این علم و به اصطلاح «تیسیر» آن به پیروی از ابن مضاء قرطبی، نیاز به بررسی بسیار دقیقی دارد. به نظر می‌رسد او نیز مانند سلف خویش چندان توفیقی در این زمینه نداشته است.

شوقی ضیف که شیفته نظریات ابن مضاء بود، به نقل از وی در مقدمه‌ی *الرد علی النحاة* (صص 44-45) آورده است: «عوامل را از نحو کنار بگذارید؛ چراکه نحوی و نحو را از زمان خلیل بن احمد ملول ساخته و کثرت تأویل و ساختارها و عبارات و در تقدیر گرفتن عوامل محذوف و معمولهای مضمّر آنها را به در دسر انداخته است...، جدال بصریان، کوفیان، بغدادیان، اندلسیان و نحویان هم‌روزگار ما، جدال بر سر باطل است. عامل و معمول تخیل و تمثیلی بیش نیست و در واقع، این گوینده است که واژه را مرفوع، منصوب یا مجرور می‌کند تا مفاهیم ذهنی خود را به مدد آنها بیان کند». ناگفته نماند این سخن ابن مضاء نیز برگرفته از گفتار ابن جنی است. ضیف خود (همان، ص 24) با استناد به *الخصائص* آورده است که ابن جنی پس از بحث درباره‌ی عوامل لفظی و معنوی گفته است: «درحقیقت، عامل رفع و نصب و جر و جزم، متکلم است و لاغیر».

با بررسی مواردی که شوقی ضیف در مقدمه‌ی *الرد علی النحاة* و سپس در تیسیر *النحو* آورده، می‌توان به این نتیجه رسید که کار او (یعنی همان اقدام ابن مضاء) جز ویرایش و گزینش نظریات نحویان پیشین نیست و تمامی گزینه‌های مطرح شده مواردی است که پیش از وی در کتابهایی نظیر *الانصاف فی مسائل الخلاف* بین *النحوریین*، *البصریین* و *الکوفیین* آمده است.

اشاره به استدلال ضیف در *المدارس النحویة* (صص 48-49) در توضیح نظریه‌ی عوامل از قول خلیل بن احمد و نقل از *الایضاح فی علل النحو* زجاجی خالی از لطف نیست: «از خلیل پرسیدند: آیا این علل و عوامل را از عرب نقل کرده‌ای یا پرداخته‌ی ذهن خود توست؟ پاسخ داد: عرب بنا بر طبع و سرشت خود سخن گفته، طبعی که جایگاههای کلام را نیک می‌داند و عواملی را در اندیشه برای خود اقامه می‌کند، اگر چه آن را بیان نکرده باشد؛ و من با دانش خود این عوامل را باز یافته‌ام... حکایت من حکایت حکیمی است که وارد بنایی مستحکم با ساختاری شگرف می‌شود و با مشاهده استقامت ساختمان، به این می‌اندیشد که سازنده دلیل روشن و محکمی برای کارهای خود داشته است. پس او در ذهن خود علت اقدامات سازنده را حدس می‌زند؛ دلایلی

که با حکمت وی سازگار باشد و البته جایز است که سازنده عوامل دیگری را نیز در نظر داشته باشد».

کوتاه سخن آن که، نوآوری و تجدید نظر در نحو می‌تواند به دست کارشناسان این علم و با استفاده از علوم جدید، در حد دسته‌بندیهای تازه‌ای در مباحث آن باشد؛ ولی کسی، آن هم خارج از حلقه متخصصان این علم، نمی‌تواند در بنای عظیم، درهم‌تنیده و مستحکم علم نحو رسوخ کند.

و- در پژوهشهای ادبی (شعر و نثر)

ضیف از دوران جوانی مشتاق اشراف بر فن شعر عربی بود، چنانکه پس از اخذ مدرک فوق لیسانس، طه حسین به وی پیشنهاد کرد که رساله دکتری خود را در زمینه تکلف و تصنع در شعر عباسی قرن چهارم تألیف کند. ولی او پس از مطالعه اشعار شاعران این قرن نظیر متنبی، مهیار دیلمی، ابوالعلائی معری، بحتری و ابوتمام، بررسی فن شعر عربی از آغاز تا دوران معاصر را ترجیح داد و رساله *الفن و مذاهب فی الشعر العربی* را تألیف کرد که البته برخی نظریات آن خالی از شائبه تقلید و تکرار آرای قدما نیست.

به عقیده ضیف، شعر موهبتی است وامدار میراث تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شاعر؛ و هر اثر ادبی در واقع، حاصل جمع فرهنگ و تمدن گذشته با شخصیت و روحیات شاعر است. ضیف با طرح بحث تصنیع در ادبیات، رفاه اجتماعی را عامل غموض و پیچیدگی ادبیات قرن سوم هجری می‌داند (عبدالرحمن، الشرق الاوسط، 13 جولای 2001). (inter.2001)

شکری فیصل (مناهج... صص 141-142) روش تحقیق ضیف را حاصل آشنایی وی با نظریات مکاتب هنری دانسته و بر این اساس، توضیح می‌دهد که گرایشهای ادبی شاعران در *الفن و مذاهب فی الشعر العربی* چگونه تقسیم‌بندی شده است: «شوقی ضیف معتقد است که در شعر عربی هیچ ابداعی صورت نگرفته است. وی شاعران را به دو دسته اصحاب طبع و اصحاب صنعت تقسیم می‌کند که دسته اول درست بر اساس ساختار مرسوم شعر می‌سروده‌اند و گروه دوم از این شیوه منحرف شده و در ورطه

تکلف افتاده‌اند. حتی شعرای جاهلی نیز در اشعار خود مقهور اصطلاحات و آداب متعدد زمان خود بوده‌اند. ضیف گرایشهای شعری را منحصر به صنعت، تصنع و تصنیع می‌داند. صنعت در مقابل طبع قرار دارد و شاعران را همچون صاحبان حرف به تکلف وامی‌دارد. سرآمد این مکتب زهیر است. تصنع مبتنی بر استفاده از آرایه‌های ادبی (انواع جناس، طباق، استعاره و سایر محسنات بدیعی) در شعر است که در آثار ابوتمام و بحتری دیده می‌شود. تصنیع به احیای شیوه‌های مرسوم و ایجاد پیچیدگی در معنا می‌پردازد و علاوه بر تعقیدات لفظی، تعقیدات معنوی را نیز به شعر می‌افزاید، مانند آنچه ابوالعلا وارد شعر کرد.»

سید قطب (تقدم...، ص 130) با نگاه دقیق‌تری در این زمینه، تاریخچه این تقسیم‌بندی را به ابن‌رشیق قیروانی می‌رساند که در العمدة آرای متقدمان خود (ابن قتیبه، آمدی و جرجانی) را بر اساس آن تلخیص کرده است. به تصریح سیدقطب (همانجا)، ضیف الفین و مذاهبه فی الشعر العربی را بر مبنای همین تلخیص علمی و روشمند نگاشته است. رویکرد شوقی ضیف به فرهنگ اسلامی که زبان عربی محمل شایسته‌ای برای آن است، به رغم بسیاری از تعصبات قومی موجود در جهان عرب، شایسته بررسی است. وی وحدت زبانی میان امت اسلام را مایه حیات معنوی، فکری و فرهنگی این ملت‌ها می‌داند. اسلام توانست در زمانی کوتاه و با استفاده از قابلیت‌های عظیمی که در اصول، اشتقاقها، افعال و اسماء این زبان وجود دارد، تمامی علوم عقلی و نقلی قرنهای آغازین حیات خود را زیر بال خویش گرد آورد. از جمله شواهدی که وی برای مدعای خود در این زمینه ارائه می‌دهد آن است که کشوری مانند ایران در قرن چهارم هجری و ام‌مدار زبان عربی بود و دانش اندیشمندان آن در رشته‌های مختلف در این زبان ارائه می‌گردید و این یکی از نشانه‌های قوت زبانی است که به همراه دین جدید به این کشور عرضه شد و اهالی آن به نیکی پذیرای آن گشته، تأثیرات شگرفی در آن بر جای نهادند.

به نظر وی، وحدت اصطلاحات علمی از دیگر اموری است که می‌تواند نقطه قدرت زبان عربی در روزگار کهن محسوب شود که بیانگر نوعی همکاری پویای علمی میان اندیشمندان شرق و غرب جهان اسلام است و این وحدت علمی پایه‌های فرهنگ

گذشتگان را مستحکم نموده است.

نکته قابل توجه در دیدگاه‌های شوقی ضیف آن است که وی سرآغاز مشکلات جهان اسلام را زمان ورود فرهنگ غرب به سرزمینهای اسلامی می‌داند و از آن به «الطامة الكبرى» تعبیر می‌کند. به اعتقاد او، آنان با سیطره بر ساحت آموزش در کشورهای عربی، میان گذشته و حال این امت فاصله انداختند تا وحدت علمی آن را از هم بپاشند. اما از آغاز قرن گذشته، جهان عرب به ویژه مصر متوجه این خطر هولناک شد و از سویی، با بهره‌گیری از استادان غربی و تأسیس کرسیهای درسی برای آنان و از سوی دیگر، با گسیل داشتن دانشجویان برجسته به کشورهای غربی، نوآوریهای غرب را در خدمت فرهنگ و تمدن اسلامی قرار داد. صد البته این حرکت آهنگی کند دارد و آنچه باعث تقویت آن می‌گردد «وحدت زبانی» کشورهای عربی و به کارگیری زبان واحد (فصحیح) برای احیای جریان فرهنگی غنی گذشته است (ضیف، محاضرات جمعیه، جم). رویکرد شوقی ضیف و استادان و همکاران او، در استفاده از دستاوردهای فرهنگ غرب برای نقد آثار کلاسیک عربی و بازنگری میراث مکتوب عربی با ابزار نقد جدید، نخستین گامها در مسیری است که تلاشهای پیگیری می‌طلبد تا آنچه امروز در اندیشه پدیدآورندگان آثار ادبی عربی نقش می‌بندد، ریشه در میراث اندیشمندان پیشین داشته باشد؛ چه، بدون اتکا به ره‌توشه‌ای از گذشته نمی‌توان نوآوری کرد.

دانشجویان و پژوهشگران زبان و ادبیات عربی، به ویژه در ایران، در استفاده از آثار شخصیت‌های علمی جهان عرب (و غیرعرب) باید هوشیارانه به عمق و اصالت روشهای تحقیق و نقد توجه کنند و مرعوب آوازه و وسعت دامنه آثار این شخصیتها نباشند. در این میان، از تألیفات شوقی ضیف باید به عنوان دوره‌ای از ادبیات عربی (به ویژه تاریخ ادبیات عربی) که در آن بعضاً از روشهای تحقیق غربیان نیز استفاده شده، بهره برد و دانست که برخی از نظریات او یا تکرار آرای پیشینیان است و یا بازتاب اندیشه‌های معاصران غربی. بدیهی است که استفاده از این نظریات تکراری و اقتباسی هم برای نخستین آشناییهای دانشجویان با این مفاهیم بسیار مفید است، ولی اتکا و استناد به آثار ضیف به عنوان منابع اصیل و غیرقابل تردید در هر رشته از تحقیقات ادبی

عربی، آفتی است که دانش پژوهان این رشته باید خود را از آن مصون دارند.
با این همه، انصاف باید داد که کثرت و تنوع تألیفات شوقی ضیف نام او را در میان
کلیدواژه‌های ضروری مباحث مختلف ادب عربی ثبت کرده است.

منابع

- ابن مضاء القرطبی، *الرد علی النحاة*، تحقیق شوقی ضیف، قاهره، 1988م.
- بلیغ، عبید و دیگران، www.asharqalawsat.com
- حسینی، شکوه السادات؛ *آراء نقدی شوقی ضیف در نحو و بلاغت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، 1378ه.ش.
- حمدی، ابوعلی، *معالم المنهج البلاغی عند عبدالقاهر الجرجانی*، عمان، 1984م.
- ضیف، شوقی؛ *العصر الجاهلی*، قاهره، 1958م.
-؛ *العصر العباسی الاول*، قاهره، 1976م.
-؛ *الفن و مذاهبه فی الشعر العربی*، قاهره، 1978م.
-؛ *فی التراث و الشعر واللغة*، قاهره، 1987م.
-؛ *فی النقد الادبی*، قاهره، 1987م.
-؛ *المدارس النحویة*، قاهره، 1972م.
-؛ *محاضرات مجمعیة*، قاهره، 1998م.
-؛ *معی*، قاهره، 1981م.
- فیصل، شکری، *مناهج الدراسة الادبیة فی الادب العربی*، عرض و نقد و اقتراح، بیروت، 1986م.
- قطب، سید، *النقد الادبی، اصوله و مناهجه*، قاهره، 1990م.
- *موسوعة العربیة العالمیة*، عربستان سعودی، 1999م.
- وادی، طه، *شوقی ضیف، سیره و تحیه*، قاهره، 1998م.